

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد ستار حبیب

۰۶ نومبر ۲۰۲۳



استاد ستار حبیب

تورم ارزش ها

هرسطر پر از ناله و هربند پر از درد ما تلخ ترین صفحه تاریخ جهانیم

تورم يك اصطلاح اقتصادی است و گوش های اکثریت مردم با این اصطلاح آشنا است و بعضاً درك و فهم همه جانبه ازین مقوله دارند . تورم از دید اقتصادی یعنی افزایش بی رویه قیمت کالاها و خدمات بدون پشتوانه و بدون برنامه ریزی است که باعث کاهش قدرت خرید می شود .

منظور و مطلوب من در این نیشته مختصر تورم ارزش ها در جامعه ما می باشد که عده ای از طریق فروش ارزش ها توانستند سود های بزرگ به دست آورند . پس از کودتای ثور اولین باندی که به فروش این ارزش ها به نام محو استثمار، جامعه بدون طبقه، عدالت اجتماعی و غیره علم بلند نمود خلق و پرچم بود و تا توانستند این ارزش هارا برای فروش عرضه کردند آنقدر فروختند که حال تورم ایجاد شده دیگر نه تنها مشتری وجود ندارد بلکه این ارزش ها باعث تنفر مردم ما نیز گردیده است .

کودتای ثور عامل تیز تر شدن رقابت های قدرت ها در وطن ما شد و هر يك از این قدرت ها احزاب و سازمان ها را جمع و جور نمودند .

احزاب اسلامی با امکانات وسیع خارجی به نام جهاد و اسلام آنقدر از طریق فروش دین کسب سود نمودند که دیگر ضرورت به توضیح و تفسیر نیست و شما خود شاهد این مدعا هستید .

امروز تورم ایجاد شده و اگر کسی تبلیغ دینی کند شنونده تکان می خورد و با خود می اندیشد که باز تجارتي در مد نظر است . تورم به اوج خود رسیده طالبان مجبوراً مشتری ها را توسط چوب و چماق به خرید وادار می کنند . .

ارزش های والای انسانی را از قبیل آزادی ، عدالت ، صداقت ، اتحاد ، ترحم و دلسوزی و غیره را به مقیاس وسیع برای فروش و حصول سود عرضه نمودند که این سبب شده تا تورم ایجاد شود دیگر خریداری وجود نداشته باشد.

تمام ارزش های سنتی ما ویران شده طور مثال احترام والدین توسط فرزندان از بین رفته نزد برخی ها بزرگتر ها دیگر سزاوار احترام نیستند . عدالت در کجا نهفته است والدینی که اطفال خود را بفروش می رسانند تا متباقی اعضای خانواده زنده بمانند اطفال و بزرگ سال ها در زمستان با پا های برهنه بر روی برف و یخ راه می روند . انسانی کشته شده و در جاده یا کوچه افتیده عابران با بی تفاوتی از کنار آن رد می شوند و بعضی از ایشان صرفاً می گویند که کشته شده است . اعتماد که بزرگترین دارائی يك جامعه است از بین رفته بین پدر و پسر این ارزش دیگر وجود ندارد . دروغ که باعث تباهی يك جامعه می شود جای راست گوئی و صداقت را احتوا نموده است.

دیگر این ارزش ها کار نمی کنند آنقدر این ارزش ها را فروختند که تورم ایجاد شده است.

پس ما جامعه نیستیم جامعه یعنی مجموع آدم هائی که توسط يك سلسله ارزش ها به هم وصل اند این اصل دیگر وجود ندارد پس ما هم يك جامعه نیستیم چون هم سر نوشتی برهم خورده و در مقابل درد و غم دیگران بی تفاوت شده ایم .

...دوستان عزیز در رفع کمبود های این مختصر نبشته دستم به سوی شما دراز است از انتقاد های تان با جبین باز استقبال می نمایم..